
بررسی رابطه بین کمال‌گرایی و جهت‌گزینی هدف در میان دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی دولتی (با گرایش‌های علوم تجربی و ریاضی)

لادن هاشمی*

هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان

دکتر مرتضی لطیفیان

دانشیار دانشگاه شیراز

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه بین کمال‌گرایی و جهت‌گزینی هدف در دانش‌آموزان دختر مراکز پیش‌دانشگاهی انجام شده است. نمونه مورد بررسی ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر مراکز پیش‌دانشگاهی نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شیراز بود که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شد. آنها مقیاس چند بعدی کمال‌گرایی (هویت و فلت، ۱۹۹۱) و مقیاس جهت‌گزینی هدف (وندی ویل، ۱۹۹۷؛ الیوت و مک‌گریگور، ۲۰۰۱) را تکمیل کردند. نتایج نشان داد که کمال‌گرایان خودمدار در مقایسه با کمال‌گرایان جامعه‌گرا در انتخاب اهداف خود برای پیشرفت به سردرگمی و شک و تردید بیشتری دچار هستند. کمال‌گرایی خودمدار با جهت‌گزینی‌های یادگیری و گرایشی رابطه منفی دارد و این جهت‌گزینی‌ها را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کند. کمال‌گرایی جامعه‌مدار نیز با اهداف گرایشی و اجتنابی رابطه منفی دارد و این جهت‌گزینی‌ها را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر در پرتو روند پژوهش‌های مربوط، به بحث گذاشته شده است؛ برخی پیشنهادات برای اجرای پژوهش‌های بیشتر در این زمینه مطرح شده است.

کلید واژه‌ها:

کمال‌گرایی خودمدار، جامعه‌مدار، جهت‌گزینی هدف

مقدمه

هدف‌گرایی^۱ یا هدف پیشرفت^۲ از جمله روزآمدترین موضوعاتی است که در حوزه انگیزه پیشرفت توجه نظریه‌پردازان و محققان را به خود معطوف کرده است. آمز (۱۹۹۲) در تشریح این سازه بیان می‌کند که هدف‌گرایی بیان‌کننده الگوی منسجمی از باورها، اسناد و هیجانات فرد است که مقاصد رفتاری او را تعیین می‌کند و سبب می‌شود تا نسبت به برخی موقعیتها گرایش بیشتری داشته و در آن موقعیتها به گونه‌ای خاص عمل کند. به همین خاطر آرچر (۱۹۹۴) معتقد است نحوه برداشت و واکنش فرد به دنیای پیرامون تحت تأثیر هدف‌گرایی قرار دارد. به همین دلیل در سالهای معاصر، حجم وسیعی از پژوهش‌های نظری و تجربی، این سازه و همچنین علل و پیامدهای آن را تبیین کرده‌اند. با این حال در زمینه تأثیری که کمال‌گرایی می‌تواند در تعیین نوع جهت‌گزینی انتخابی فرد داشته باشد تحقیقات بسیار کمی انجام شده است.

پژوهش حاضر با نگاهی تربیتی و با رویکردی شناختی - اجتماعی، ارتباط کمال‌گرایی^۳ را به عنوان سازه‌ای شخصیتی، با هدف‌گرایی پیشرفت، به عنوان سازه‌ای انگیزشی، در گروهی از دانش‌آموزان دختر پیش‌دانشگاهی بررسی کرده است. در ادامه درباره مبانی نظری و تجربی مؤلفه‌های پژوهش بحث شده است.

هدف‌گرایی

در تحقیقات انجام شده، جهت‌گیریهای انگیزشی به صورتهای مختلف مطرح شده‌اند، اما بیش از دو دهه است که اکثر کارهای نظری و تجربی در این حیطه بر انگیزش پیشرفت تمرکز یافته است. یکی از رویکردهای مطرح در حوزه جهت‌گیریهای هدف در سالهای اخیر، رویکرد سه‌بخشی الیوت و همکاران است. الیوت (۱۹۹۹) انگیزه پیشرفت را به عنوان گرایش‌های کلی تعریف می‌کند، که فعالیت پیشرفت را موجب می‌شود و افراد را به سمت

-
1. Goal Orientation
 2. Achivement Goal
 3. Perfectionism

مؤفقیّت یا شکست سوق می‌دهد. در مدل الیوت سه جهت‌گیری هدف مستقل ترسیم می‌شود: ۱. هدف عملکرد گرایشی^۱ که بر کسب شایستگی و تأیید در نزد دیگران تأکید دارد. در این جهت‌گزینی بر مقایسه و نمایش قدرت و توانمندیهای خود به دیگران تمرکز است و این نمایش قدرت، مبنای خود‌ارزشی^۲ فرد است (آمز، ۱۹۹۲). فرد تمایل دارد تا اهدافی را دنبال کند که در جامعه هنجار شایستگی است. ۲. هدف عملکرد‌گریزی^۳ که بر دوری جویی از ناشایستگی در نزد دیگران تأکید دارد، به عبارت دیگر در عین حال که فرد نمی‌خواهد بهترین باشد اما به شکست هم تمایلی ندارد. ۳. هدف تبحری^۴ که برافزایش کفایت و کسب مهارت در تکلیف تأکید دارد. این هدف به یادگیری، پیشرفت و مهارتهای تبحری اشاره دارد. در این جهت‌گزینی تسلط یافتن، فراگیری موضوعات، اعتلای دانش و بالفعل کردن تواناییهای بالقوه از طریق یادگیری، هدف اصلی فرد است و خطا به عنوان بخش لاینفک فرایند یادگیری، محسوب می‌شود و محرکی برای تلاش و اصلاح عملکرد است. استانداردهای ارزیابی جنبه درونی دارند و رضایت و احساس غرور با میزان تلاش صرف شده ارتباط مستقیم دارد و تلاش نکردن احساس گناه و بی‌کفایتی را به دنبال دارد (آمز، ۱۹۹۲؛ نیکلز و همکاران، ۱۹۸۹). الیوت (۱۹۹۷) اهداف تبحری را به عنوان تمرکز بر رشد شایستگی یا تسلط یافتن بر تکلیف تعریف کرده است. از آنجائی که این انگیزه افراد را به سمت مؤفقیّت سوق می‌دهد فرض بر این است که نیاز به انگیزه پیشرفت زیر بنای اهداف تبحری می‌باشد. اهداف عملکرد‌گریزی به عنوان تمرکز بر اجتناب از احساس بی‌کفایتی نسبت به هم‌تایان تعریف شده است. تصور می‌شود اهداف عملکرد‌گریزی از انگیزه ترس از شکست نشأت گرفته باشد، این انگیزه افراد را به سمت تمرکز بر احتمال شکست سوق می‌دهد. بنابراین، آنها اهداف عملکرد‌گریزی را در پیش می‌گیرند تا از وقوع شکست ممانعت کنند. اهداف عملکرد‌گرایشی به عنوان تمرکز بر کسب شایستگی نسبت به هم‌تایان تعریف شده است. برخلاف اهداف تبحری و عملکرد‌گریزی تصور می‌شود اهداف عملکرد‌گرایشی از یک انگیزه پیشرفت واحد مشتق نشده‌اند.

-
1. Approach- Performance goal
 2. Self- Worth
 3. Avoidance- Performance goal
 4. Mastery (or learning) goal

ممکن است این اهداف یا از نیاز اساسی برای پیشرفت یا از انگیزه ترس از شکست ناشی شده باشد. نیاز به پیشرفت ممکن است افراد را به سمت برگزیدن اهدافی برای دست یافتن به شایستگی نسبت به هم‌تایان سوق دهد. بنابراین، ممکن است این افراد بیشتر به منظور دست یافتن به شایستگی در مقابل دیگران درگیر تکالیف شوند تا برای اثبات توانایی خود. در مقابل، چنانچه افراد به واسطه ترس از شکست برانگیخته شده باشند ممکن است اهداف عملکرد گرایشی را برگزینند. در این مورد، آنها برای دست یافتن به موفقیت تلاش می‌کنند زیرا تفوق بر موفقیت به معنای ممانعت از تجربه شکست است.

در پژوهش‌های تحلیل عاملی استقلال این سه سازه تأیید شده است و این اهداف با الگوهای متفاوتی از پی آیندها و پیامدها پیوند داده شده است. استقلال این سه سازه در پژوهش‌های تحلیل عاملی در ایران را جوکار (۱۳۸۱) و خرمایی (۱۳۸۵) تأیید کرده‌اند. سازه چهارمی نیز در تحقیق حاضر مد نظر است. وجود این سازه که از آن با عنوان "بلا تکلیفی در جهت گیری هدف" نام برده می‌شود در تحقیق خرمایی (۱۳۸۵) تأیید شده است. شواهد تجربی حاصل از این مطالعه و سایر مطالعات وجود این سازه را تأیید کرده است. "بلا تکلیفی در جهت گیری هدف" به عنوان شک و تردید نسبت به ارزش فعالیت و تکلیف تعریف می‌شود. محوریت این جهت گیری، تردید نسبت به این موضوع است که آیا یادگیری تکلیف به شایستگی درونی یا بیرونی منجر خواهد شد؟ "این سازه با سازه بی انگیزشی در مدل دسی و ریان (۲۰۰۰) نزدیکی دارد.

کمال‌گرایی

از لحاظ تاریخی، مفهوم کمال‌گرایی یک مقوله روان‌شناختی مورد علاقه بسیاری از روان‌شناسان است (به عنوان مثال، آدلر، ۱۹۵۶؛ هالندر، ۱۹۶۵؛ هورنای، ۱۹۵۰؛ پیچ، ۱۹۸۴، اقتباس از نجاریان و همکاران، ۱۳۷۸). فروید کمال‌گرایی را به کنش فرامن افراط گرا نسبت داد. از آن پس بر ماهیت درون‌روانی این سازه شخصیتی، به منزله تمایل پایدار فرد به وضع استانداردهای کامل و دست نیافتنی و تلاش برای تحقق آنها تأکید شده است. تقسیم بندی فرد مدار بهنجار - نورو تیک کمال‌گرایی بازتاب همین رویکرد است. بر اساس این تقسیم بندی، کمال‌گرای بهنجار از تلاش و رقابت برای برتری و کمال لذت می‌برد و در عین حال

محدودیت‌های شخصی را به رسمیت می‌شناسد، اما کمال‌گرای نورتیک به دلیل انتظارات غیرواقع‌بینانه هرگز از عملکرد خود خشنود نخواهد شد (بشارت، ۱۳۸۳). فراسوی رویکرد تک بعدی فردمدار کمال‌گرایی، نتایج پژوهش‌های اخیر به پیدایش رویکردهای چند بعدی به کمال‌گرایی کمک کرده‌اند. هویت و فلت (۱۹۹۱) کمال‌گرایی را به عنوان سازه سه بعدی شخصیت تعریف کرده‌اند که از کمال‌گرایی خود مدار^۱، کمال‌گرایی دیگر مدار^۲ و کمال‌گرایی جامعه مدار^۳ تشکیل شده است. این محققان ابزار خودسنجی برای اندازه‌گیری این مؤلفه‌ها تدوین کرده‌اند که مقیاس چند بعدی کمال‌گرایی^۴ (به اختصار ام پی اس) نام دارد. کمال‌گرایی خود مدار با تمایل به وضع معیارهای سختگیرانه و غیر واقع‌بینانه برای خود و تمرکز بر نقص‌ها و شکست‌ها در عملکرد، همراه با خود نظارت‌گری‌های دقیق مشخص می‌شود (هویت و فلت، ۱۹۹۱). در واقع این جنبه از کمال‌گرایی یک مؤلفه انگیزشی است که کوشش‌های فرد برای دستیابی به "خویشتن کامل" را شامل می‌شود. این شکل از کمال‌گرایی، نزدیکترین بعد به سازه‌ای است که اغلب به عنوان کمال‌گرایی شناخته شده است (بلت، ۱۹۹۵؛ هویت و همکاران، ۱۹۸۹ به نقل از بشارت، ۱۳۸۳). کمال‌گرایی دیگرمدار بیان‌کننده تمایل به داشتن انتظارات افراطی و ارزشیابی انتقادی از دیگران است؛ این نوع کمال‌گرایی با خصومت و سرزنش دیگران همراه است. این جنبه در اصل همان کمال‌گرایی خود مدار است، اما رفتار کمال‌گرایی به سوی دیگران جهت‌گیری شده است. جنبه سوم، یعنی کمال‌گرایی جامعه‌مدار به احساس ضرورت رعایت معیارها و برآورده کردن انتظارات تجویز شده از سوی افراد مهم به منظور کسب تأیید اطلاق می‌شود (هویت و فلت، ۱۹۹۱) دسترسی به این معیارهای کمال‌گرایانه تحمیل شده اجتماعی اگر محال نباشد، حداقل دشوار است.

یافته‌های پژوهشی در زمینه بررسی ابعاد سه‌گانه کمال‌گرایی، همبستگی این سازه را با ویژگی‌های شخصیتی، رفتاری و مشکلات روانشناختی تأیید کرده‌اند. کمال‌گرایی خودمدار با مشخصه‌های خودشیفتگی، خودسرزنشگری، خودانتقادگری، احساس گناه، سهل‌انگاری و

-
1. Self – oriented perfectionism
 2. Other- oriented Perfectionism
 3. Socially prescribed perfectionism
 4. Multidimensional Perfectionism Scale (MPS)

تعلل در انجام دادن کارها، افسردگی و نوروگرایی در ارتباط است. کمال‌گرایی دیگرمدار با مشخصه‌های منفی، از جمله دیگر سرزنشگری، اقتدارگرایی و سلطه جویی، ویژگی‌های شخصیت‌نمایشی، خودشیفته و ضداجتماعی همبستگی دارد. کمال‌گرایی جامعه‌مدار با نیاز به تأیید دیگران، ترس از ارزشیابی منفی، منبع کنترل بیرونی، بیش‌تعمیم‌دهی، شکست، افسردگی و اضطراب مرتبط است (بشارت، ۱۳۸۳).

با این حال، کمال‌گرایی خودمدار جنبه‌ای از کمال‌گرایی است که می‌تواند پیامدهای سازگارانه و مثبت‌تری به همراه داشته باشد. این نوع کمال‌گرایی زمانی که افراد بر موقعیت‌ها کنترل داشته باشند و توانایی دست یافتن به اهداف را دارند و در گذشته نیز کمتر شکست را تجربه کرده‌اند می‌تواند برای فرد سازگارانه باشد. کمال‌گرایی خودمدار با استراتژی‌های یادگیری و انگیزش رابطه مثبت دارد؛ و همچنین عملکرد در مدرسه و نمره‌های تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند؛ در ضمن با مشخصه‌های مثبت تلاش و رقابت برای پیشرفت، عزت نفس و خود شکوفایی مرتبط می‌شود.

مدل کمال‌گرایی هویت و فلت (۱۹۹۱) برای این تحقیق انتخاب شده است، زیرا علاوه بر بعد درون فردی، یعنی کمال‌گرایی خودمدار - که در آن انتظار برای کامل بودن از درون فرد نشأت می‌گیرد - مدل یک بعد میان فردی، یعنی کمال‌گرایی جامعه‌مدار نیز دارد - که در آن انتظار کامل بودن از دیگران نشأت می‌گیرد. چون هدف تحقیق حاضر بررسی این مطلب است که چگونه کمال‌گرایی بر جهت‌گزینی هدف پیشرفت تأثیر می‌گذارد، دو بعد از کمال‌گرایی (خودمدار و جامعه‌مدار) بررسی شده است، که بر کمال‌گرایی در خود فرد متمرکز است. بعد سوم یعنی کمال‌گرایی دیگرمدار، به دلیل تمرکز بر کمال‌گرایی در دیگران به جای تمرکز بر خود فرد، بررسی نشده است.

رابطه هدف‌گرایی با کمال‌گرایی

در سالهای اخیر تحقیقات زیادی رابطه بین خصلت کمال‌گرایی و سازه‌های روان‌شناختی مختلف را بررسی کرده‌اند. با این حال تعداد اندکی از این تحقیقات به بررسی رابطه بین کمال‌گرایی و انگیزه پیشرفت اختصاص دارند (نیومیستر، ۲۰۰۴).

نتایج تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که یادگیرندگان، جهت‌گیرهای انگیزشی مختلفی

دارند؛ یکی از عوامل احتمالاً مؤثر بر جهت‌گزینی هدف، کمال‌گرایی است. چون کمال‌گرایان خودمدار استانداردهای بالایی برای خود انتخاب می‌کنند و عملکرد خود را بر اساس این استانداردها ارزشیابی می‌کنند (هویت و فلت، ۱۹۹۱) به نظر می‌رسد به وسیله‌ی نیاز به پیشرفت برانگیخته شوند و بر اساس این نیاز، اهداف تبحری یا اهداف عملکرد گرایشی داشته باشند. در مقابل، کمال‌گرایان جامعه‌مدار که معتقد هستند دیگران استانداردهای بالایی برای آنها در نظر دارند و از آنها توقع برآورده کردن آنها را دارند (هویت و فلت، ۱۹۹۱) باید بیشتر به وسیله ترس از شکست برانگیخته شوند، زیرا آنها می‌پندارند که خود ارزشی آنها به برآورده کردن این انتظارات وابسته است. در نتیجه، کمال‌گرایان جامعه‌مدار بیشتر احتمال دارد که اهداف عملکرد گرایشی یا عملکرد گریزی را بپذیرند، که از ترس آنها از شکست نشأت می‌گیرد. نیومیستر (۲۰۰۴) در تحقیقی کیفی تئوری هدف سه بخشی الیوت و کمال‌گرایی را در دانشجویان سرآمد دانشگاهی بررسی و حمایت‌هایی برای این فرضیه‌ها فراهم کرده است. در این تحقیق کمال‌گرایان خودمدار اظهار داشته‌اند که اهداف تبحری و عملکرد گرایشی دارند در حالیکه کمال‌گرایان جامعه‌مدار اذعان داشته‌اند که اهداف عملکرد گریزی و عملکرد گرایشی دارند. در تحقیقی کمی نیومیستر و فینچ (۲۰۰۶) این فرضیه‌ها را آزمون کردند؛ نتایج تحقیق آنها از این فرضیه‌ها حمایت می‌کند.

هدف تحقیق

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی این مطلب است که چگونه انواع مختلف کمال‌گرایی ممکن است بر جهت‌گزینی هدف دانش‌آموزان تأثیر بگذارد. در واقع در پی آزمون فرضیه‌های زیر هستیم:

- ۱- کمال‌گرایان خودمدار بیشتر اهداف تبحری یا عملکرد گرایشی انتخاب می‌کنند
- ۲- کمال‌گرایان جامعه‌مدار بیشتر اهداف عملکرد گریزی یا عملکرد گرایشی انتخاب

می‌کنند.

روش تحقیق

نمونه

نمونه تحقیق حاضر ۲۰۰ دانش آموز دختر مشغول به تحصیل در مقطع پیش دانشگاهی بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی از بین مدارس موجود در نواحی چهارگانه شهر شیراز انتخاب شدند. بدین ترتیب که از بین این نواحی، ناحیه ۲ به صورت تصادفی انتخاب شد و از آنجائی که تنها یک مدرسه روزانه دولتی در این ناحیه وجود داشت همه دانش آموزان رشته‌های ریاضی فیزیک و علوم تجربی این مدرسه به عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسشنامه‌های تحقیق میان آنها توزیع شد. شایان ذکر است که تعداد ۲۱ پرسشنامه به دلیل دقیق نبودن یا نقص در پاسخگویی تحلیل نشد و در تحلیل نهایی نمونه پژوهش به ۱۷۹ نفر تقلیل یافت.

ابزار پژوهش

الف) پرسشنامه جهت‌گزینی هدف

گویه‌های پرسشنامه جهت‌گزینی هدف از ونیدی ویل (۱۹۹۷) و الیوت و مک گریگور (۲۰۰۱) اقتباس شده است. این پرسشنامه چهار عامل - جهت‌گیری یادگیری، عملکرد گرایشی، عملکرد گریزی و بلا تکلیفی در جهت‌گیری هدف - را ارزیابی می‌کند. جهت‌گیری یادگیری (مثل: از تکالیف دشوار لذت می‌برم، زیرا می‌خواهم موضوع‌های جدید یاد بگیرم) به عنوان گرایش برای رشد خود به وسیله اکتساب مهارت‌های جدید، تبحریابی در موقعیت‌های جدید و پیشرفت شایستگی‌های فردی تعریف می‌شود (گزینه‌های ۲، ۳، ۷، ۱۲، ۱۹) (ونیدی ویل، ۱۹۹۷). جهت‌گیری عملکرد گرایشی (مثل: برای من مهم است که در مقایسه با دیگران در کلاس، کارهای خود را بهتر انجام دهم) تأکید بر کسب شایستگی و تأیید در نزد دیگران دارد (گزینه‌های ۱، ۶، ۱۴، ۱۷، ۲۰) (الیوت و مک گریگور، ۲۰۰۱). کسب قضاوت مطلوب دیگران نسبت به شخص، زیربنای مهم این نوع جهت‌گیری است (ونیدی ویل، ۱۹۹۷) و جهت‌گیری عملکرد گریزی (مثل: ترجیح می‌دهم از موقعیت‌های کلاسی که در آنها ممکن است

عملکردی ضعیف داشته باشم دوری جویم) تأکید بر دوری جویی و اجتناب از ناشایستگی در نزد دیگران دارد (گزینه‌های ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۴) (الیوت و چرچ، ۱۹۹۷، الیوت و مک‌گریگور، ۲۰۰۱). افراد دارای این جهت‌گیری از قضاوت نامطلوب دیگران گریزان هستند. بلا تکلیفی در جهت‌گیری هدف (مثل: در انتخاب هدفم از درس خواندن دچار تردید و سردرگمی شده‌ام) به شک و تردیدها، ابهامات و دودلی‌های فراگیران نسبت به ارزش فعالیت و تکلیف در موقعیت‌های آموزشی اشاره می‌کند. (گزینه‌های ۱۸، ۱۶، ۹، ۵۸). برای تعیین روایی سازه این ابزار از تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی همراه با چرخش واریماکس استفاده شد. در تحلیل داده‌های پرسشنامه جهت‌گیری هدف در این مطالعه مقدار ضریب KMO (شاخص کفایت نمونه‌گیری) و آزمون کرویت بارتلت نشان از وجود شواهد کافی برای اجرای روش تحلیل عاملی دارد.

مقدار ضریب KMO، ۰/۸۰ و مقدار خی آزمون کرویت بارتلت ۱۰۶۴ محاسبه شد که در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنی دار بوده است. برای تعیین تعداد عوامل از معیارهای نمودار اسکری استفاده شد. بدین صورت با توجه به شیب نمودار عوامل آشکار شده در شیب تند نزولی، به عنوان عوامل اصلی قلمداد شد و عواملی نادیده انگاشته شد، که به صورت موازی در محور خط شیب قرار گرفتند. سپس از روش چرخش واریماکس برای تعیین بارگذاری عاملی هر گویه بر هر عامل با حفظ بارگذاری‌های عاملی بیش از ۰/۳۰ استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی وجود این چهار عامل را تأیید کرد. این ۴ عامل بیش از ۵۴ درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند.

برای تعیین پایایی این پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج به ترتیب برای جهت‌گزینی یادگیری، گرایشی، اجتنابی و بلا تکلیفی عبارت بودند از ۰/۷۰، ۰/۷۰، ۰/۷۰ و ۰/۸۰ و برای کل مقیاس ۰/۷۰ بود که رضایت بخش تشخیص داده شد.

ب- مقیاس چند بعدی کمال‌گرایی (ام پی اس)

برای اندازه‌گیری کمال‌گرایی از مقیاس چند بعدی کمال‌گرایی، ام پی اس، (فلت و هویت، ۱۹۹۱) استفاده شد. ام پی اس از سه خرده مقیاس ۱۵ گویه‌ای تشکیل شده است که کمال‌گرایی خودمدار، کمال‌گرایی دیگرمدار و کمال‌گرایی جامعه‌مدار را اندازه می‌گیرد.

آزمودنی‌ها میزان موافقت خود را بر یک مقیاس ۵ قسمتی نشان می‌دهند؛ نمره‌های بالاتر نشان دهنده کمال‌گرایی بیشتر است. در تحقیق حاضر در راستای اهداف تحقیق از خرده مقیاس‌های خود مدار و جامعه مدار استفاده شد. برای نمونه در زیر دو عبارت از پرسشنامه ام پی اس ذکر شده است:

۱. کمال‌گرایی خود مدار: وقتی مشغول به کاری هستم تا آن را به عالی‌ترین شکل به اتمام نرسانم آرامش نمی‌گیرم.

۲. کمال‌گرایی جامعه مدار: اطرافیانم انتظار دارند در هر کاری که انجام می‌دهم موفق باشم.

تحقیقات زیادی از چند بعدی بودن روایی و پایایی مقیاس ام پی اس در جمعیت‌های بالینی، دانش‌آموزان و دانشجویان و عموم مردم حمایت می‌کنند (هویت و فلت، ۱۹۹۱؛ هویت و همکاران، ۱۹۹۱). دامنه ضرایب آلفا برای این مقیاس بین ۰/۷۴ و ۰/۸۹ گزارش شده است و خرده مقیاس‌ها با سازه‌هایی همبستگی داشته‌اند که از لحاظ نظری مشابه بوده‌اند و تحت تأثیر سوگیریهای پاسخ قرار نگرفته‌اند. در تحقیق حاضر قابلیت اعتماد پرسشنامه ام پی اس از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) به دست آمد. ضریب آلفا برای خرده مقیاس کمال‌گرایی خود مدار و جامعه‌مدار به ترتیب برابر با ۰/۸۰ و ۰/۷۲ بود که نشانه همسانی درونی بالای مقیاس است. در تحقیقی که بشارت (۱۳۸۳) مشخصه‌های روان‌سنجی این مقیاس را بررسی کرده است ضرایب پایایی بازآزمایی برای کمال‌گرایی خود مدار $r = 0/84$ و برای کمال‌گرایی جامعه مدار $r = 0/80$ گزارش شده است.

برای احراز اطمینان از روایی مطلوب این مقیاس از روش تحلیل عوامل استفاده شد. در تحلیل داده‌های پرسشنامه ام پی اس در این مطالعه مقدار ضریب KMO (شاخص کفایت نمونه‌گیری) و آزمون کرویت بارتلت نشان از وجود شواهد کافی برای انجام دادن روش تحلیل عاملی دارد. مقدار ضریب KMO، ۰/۷۵ و مقدار خی آزمون کرویت بارتلت ۱۱۶۰ محاسبه شد که در سطح $P < 0/001$ معنی دار بوده است. نتایج تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی، با چرخش واریماکس مؤید وجود ۲ عامل در پرسشنامه بود. این دو عامل ۳۰ درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند. ملاک استخراج عوامل، شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود.

نتایج تحلیل عاملی در جدول ۱ آمده است. شایان ذکر است که گویه‌های ۹، ۱۸ و ۲۲ با توجه به بار عاملی کم حذف و از تحلیل‌ها کنار گذاشته شد.

جدول ۱: نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه چند بعدی کمال‌گرایی

کمال‌گرایی جامعه‌مدار	کمال‌گرایی خود‌مدار	گویه
	۰/۴۵	۱
	۰/۵۵	۲
	۰/۳۱	۳
	۰/۴۴	۴
	۰/۶۳	۵
	۰/۶۵	۶
	۰/۵۹	۷
	۰/۲۹	۸
	۰/۶۴	۱۰
	۰/۵۸	۱۱
	۰/۵۲	۱۲
	۰/۴۸	۱۳
	۰/۴۹	۱۴
	۰/۵۵	۱۵
۰/۵۶		۱۶
۰/۴۵		۱۷
۰/۶۱		۱۹
۰/۶۲		۲۰
۰/۵۱		۲۱
۰/۲۶		۲۳
۰/۳۰		۲۴
۰/۵۲		۲۵
۰/۵۷		۲۶
۰/۳۰		۲۷
۰/۵۰		۲۸
۰/۵۴		۲۹
۰/۴۷		۳۰
۳/۴	۴/۴	ارزش ویژه
۱۳	۱۷	درصد واریانس

یافته‌ها

جدول ۲ ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف معیار مقیاسهای کمال‌گرایی و جهت‌گزینی هدف را نشان می‌دهد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرها، میانگین، و انحراف معیار

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	میانگین	انحراف معیار
۱- کمال‌گرایی خود مدار	۱						۵۲/۴۷	۶/۱۲
۲- کمال‌گرایی جامعه‌مدار	-۰/۰۱	۱					۳۹/۰۵	۷/۲۶
۳- بلا تکلیفی	**۰/۳۲	-۰/۱۳	۱				۱۷/۵۳	۵/۰۴
۴- عملکرد گرایشی	** -۰/۴۰	* -۰/۱۷	-۰/۰۰۲	۱			۱۰	۴/۱۸
۵- عملکرد گریزی	۰/۰۷	** -۰/۳۲	** ۰/۳۴	** ۰/۳۵	۱		۱۵/۵۰	۴/۲۷
۶- یادگیری	** -۰/۳۶	۰/۱۳	** -۰/۲۸	۰/۰۶	** -۰/۲۳	۱	۷/۶۰	۲/۶۸

*معنی دار در سطح $p < ۰/۰۵$ **معنی دار در سطح $p < ۰/۰۰۱$

همان‌طور که ماتریس همبستگی نشان می‌دهد بین کمال‌گرایی خود مدار و جهت‌گزینی بلا تکلیفی رابطه مثبت معنا دار وجود دارد. در حالیکه بین این متغیر و جهت‌گزینی عملکرد گرایشی و یادگیری رابطه منفی معنی دار وجود دارد. یافته‌های فوق‌الذکر این فرض تحقیق را رد می‌کند، که کمال‌گرایان خود مدار به برگزیدن اهداف یادگیری و گرایشی تمایل دارند؛ این نتایج با یافته‌های تحقیقات پیشین (نیومیستر، ۲۰۰۴؛ نیومیستر و فینچ، ۲۰۰۶) ناهمخوانی دارد.

ضمناً بین کمال‌گرایی جامعه‌مدار و جهت‌گزینی‌های گرایشی و اجتنابی رابطه منفی معنی دار وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج تحقیق نیومیستر (۲۰۰۴) و نیومیستر و فینچ (۲۰۰۶) ناهمخوانی دارد و این فرض تحقیق را رد می‌کند که کمال‌گرایان جامعه‌مدار اهداف گرایشی و اجتنابی را انتخاب می‌کنند.

برای بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی کمال‌گرایی خود مدار و جامعه‌مدار بر جهت‌گزینی‌های هدف، رگرسیون خطی چند متغیره اجرا شد؛ نتایج این بررسی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: رگرسیون جهت‌گزینی هدف بر کمال‌گرایی خود‌مدار و جامعه‌مدار

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	Beta	t	Sig.	R	R ²
یادگیری	کمال‌گرایی خود‌مدار	-۰/۳۶۳	-۵/۱۱	۰/۰۰۱	۰/۳۹	۰/۱۵
	کمال‌گرایی جامعه‌مدار	۰/۱۴۱	۱/۹۸	۰/۰۶۸		
گرایشی	کمال‌گرایی خود‌مدار	-۰/۳۹۷	-۵/۷۱	۰/۰۰۱	۰/۴۳	۰/۱۹
	کمال‌گرایی جامعه‌مدار	-۰/۱۶۶	-۲/۳۸	۰/۰۱۸		
اجتنابی	کمال‌گرایی خود‌مدار	۰/۰۷۴	۱/۰۱	۰/۳۱۱	۰/۳۳	۰/۱۱
	کمال‌گرایی جامعه‌مدار	-۰/۳۲۱	-۴/۴۰	۰/۰۰۱		
بالاتکلیفی	کمال‌گرایی خود‌مدار	۰/۳۲۷	۴/۵۲	۰/۰۰۱	۰/۳۵	۰/۱۲
	کمال‌گرایی جامعه‌مدار	-۰/۱۳۵	-۱/۸۶	۰/۰۶۳		

همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده شد کمال‌گرایی خود‌مدار جهت‌گزینی یادگیری و گرایشی را به صورت منفی و جهت‌گزینی بالاتکلیفی را به صورت مثبت پیش‌بینی می‌کند و کمال‌گرایی جامعه‌مدار جهت‌گزینی اجتنابی و گرایشی را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کند.

بحث و نتیجه گیری

همان گونه که مطرح شد هدف تحقیق بررسی رابطه بین کمال‌گرایی و جهت‌گزینی هدف بود. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین کمال‌گرایی خود مدار و جهت‌گزینی بالاتر تکلیفی رابطه مثبت معنی دار وجود دارد. بدین معنا که با افزایش کمال‌گرایی خود مدار شک و تردید نسبت به ارزش فعالیت و تکلیف بیشتر می‌شود و کمال‌گرایان خود مدار نسبت به این موضوع شک و تردید دارند، که آیا یادگیری تکلیف به شایستگی درونی یا بیرونی منجر خواهد شد یا نه؟ از سوی دیگر هر چه کمال‌گرایی خود مدار بیشتر می‌شود تمایل به برگزیدن اهداف عملکرد گرایشی و یادگیری کاهش می‌یابد؛ بدین معنا که کمال‌گرایان خود مدار برای دست یافتن به استانداردهای بالای خود به اهداف یادگیری و گرایشی تمایلی نشان نمی‌دهند و این اهداف را برای رسیدن به ملاکهای خود مناسب نمی‌بینند. یافته‌های فوق‌الذکر این فرض تحقیق را رد می‌کنند، که کمال‌گرایان خود مدار به برگزیدن اهداف یادگیری و گرایشی تمایل دارند. این نتایج با یافته‌های تحقیقات پیشین (نیومیستر، ۲۰۰۴؛ نیومیستر و فینچ، ۲۰۰۶) ناهمخوانی دارد. شاید وضعیت خاص این دانش‌آموزان که در مقطع پیش دانشگاهی قرار دارند و احتمالاً از شدت اضطراب بالایی برخوردارند بتواند در تبیین نتایج فوق مؤثر باشد. دانش‌آموزانی که به ورود به دانشگاه مایل هستند و طبعاً کمال‌گرایی آنها افزایش یافته است یا زمان وصول به هدف را نزدیک می‌بینند به علت اضطراب ناشی از نزدیک شدن زمان کنکور از اهداف یادگیری و گرایشی به صورت معکوس استفاده می‌کنند. از سوی دیگر سردرگمی در ارزش تکلیف را نیز می‌توان پیامدی از آشفتگی‌های رشدی بحران هویت‌یابی در مرحله نوجوانی دانست. طی فرایند هویت‌یابی ممکن است نوجوان دوره تعلیق را تجربه کند؛ طی این مرحله فرد به شک و تردید نسبت به حوزه‌های مهمی، نظیر شغل آینده، ارزش مطالعه کردن، مذهب، سیاست و غیره دچار می‌شود. این نوجوانان در حال جستجو هستند و با عقاید و اهداف کشمکش دارند و هنوز به گزینه درستی در باره هویت خود برای انتخاب کردن دست نیافته‌اند (دانکل و آنتیس، ۲۰۰۱). تعهدات شغلی و تحصیلی دانش‌آموزان در این مرحله مبهم است (هاشمی، ۱۳۸۱) از سوی دیگر همان‌طور که هامچاک (۱۹۷۸) و پیچ (۱۹۸۵)، به نقل از وردی و همکاران، (۱۳۷۸) در تحقیقات خود نشان دادند کمال‌گرایی چنانچه ناسازگارانه (ناسالم یا منفی) باشد، یعنی چنانچه شخص

کمال‌گرا ویژگی‌هایی نظیر انتخاب اهداف غیر واقع‌گرایانه برای خود، گرایش به تفکر همه یا هیچ و ارزیابی سخت‌گیرانه از خود و تعمیم افراطی شکست‌ها داشته باشد، با پیامدهای منفی مختلفی همچون احساس شکست، بی‌تصمیمی، کندکاری و عزت‌نفس پایین و همچنین افسردگی همراه است. این پیامدها ممکن است سبب شود کمال‌گرایان از اهداف یادگیری و گرایشی صرف نظر کنند و در انتخاب اهداف خود به نوعی شک و تردید دچار شوند.

در ضمن نتایج تحلیل‌ها حاکی از آن بود که بین کمال‌گرایی جامعه‌مدار و جهت‌گزینی‌های گرایشی و اجتنابی رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد که کمال‌گرایی جامعه‌مدار به پیش‌بینی این جهت‌گزینی‌ها به صورت منفی قادر است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که کمال‌گرایانی که معتقد هستند اطرافیان (بویژه والدین) برای آنها استانداردهای بالایی را انتخاب کرده و از آنها توقع زیادی دارند، به برگزیدن اهداف اجتنابی و گرایشی تمایل ندارند بدین معنی که تمایلی به کسب تأیید دیگران یا دوری جویی از تأیید کردن آنها ندارند. این یافته‌ها با نتایج تحقیق نیومیستر (۲۰۰۴) و نیومیستر و فینچ (۲۰۰۶) ناهمخوانی دارد و این فرض تحقیق را رد می‌کند که کمال‌گرایان جامعه‌مدار اهداف گرایشی و اجتنابی را انتخاب می‌کنند. از آنجایی که کمال‌گرایان جامعه‌مدار بر این باور هستند که دیگران (بویژه والدین) معیارهای کمال‌گرایانه و غیر واقع‌بینانه‌ای برای آنها انتخاب کرده‌اند و دسترسی به این معیارهای کمال‌گرایانه اگر محال نباشد، حداقل دشوار است؛ بیش از سایر کمال‌گرایان از افسردگی، اضطراب، ترس از ارزشیابی منفی، بیش‌تعمیم‌دهی شکست، خودانتقادگری، خودسرزنشگری و دیگر سرزنشگری رنج می‌برند. ممکن است این پیامدها (به ویژه افسردگی و اضطراب) سبب شود این افراد دست یافتن به معیارهای غیر واقع‌گرایانه دیگران را نامحتمل پندارند و به درماندگی آموخته شده دچار شوند و از هر گونه تلاش برای دست یافتن به تأیید دیگران مهم (بویژه والدین) دست بکشند. این یافته می‌تواند برای والدینی آموزنده باشد، که می‌پندارند با اعمال فشار بر فرزندان خود می‌توانند آینده تحصیلی آنها را تحت تأثیر قرار دهند.

به طور کلی نتایج تحقیق حاکی از آن بود که چنانچه معیارهای دانش‌آموزان خود‌انگیز و متناسب با توانایی‌های آنها نباشد، لطمه‌های زیادی به یادگیری آنها وارد می‌شود؛ این دانش‌آموزان ممکن است عملکرد تحصیلی خوبی داشته باشند، ولی در انتخاب هدف خود

برای درس خواندن به شک و تردید دچار می‌شوند و به منظور افزایش کفایت و کسب مهارت در تکلیف یا کسب شایستگی و تأیید در نزد دیگران به مطالعه اقدام نمی‌کنند. این یادگیرندگان در رابطه با تکلیف یادگیری به گونه‌ای عمل خواهند کرد که گویی می‌خواهند فقط کاری در این رابطه انجام داده باشند. پیشنهاد می‌شود والدین و دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت بستری مناسب فراهم کنند، که در آن به تلاش برای تسلط بر مطلب و کسب شایستگی و رضایت درونی ارزش و بهای بیشتری داده شود و به دانش آموزان مستعد کمک کنند اهدافی متناسب با توانایی‌ها و علایق خود انتخاب کنند. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران علاقه‌مند به موضوع تحقیق، برای روشن‌تر شدن رابطه سازه‌های کمال‌گرایی و جهت‌گیری هدف در نوجوانان ایرانی نقش سبک یا پایگاه هویت شرکت‌کنندگان در تحقیق و اضطراب آنها را به عنوان عوامل مؤثر بر سازه‌های تحقیق بررسی کنند. در انتها پیشنهاد می‌شود به علت محدودیت‌های نمونه‌گیری در این تحقیق، یافته‌ها به سایر گروه‌های سنی و تحصیلی و جنسی با احتیاط تعمیم داده شود.

منابع

- بشارت، محمدعلی، (۱۳۸۳). رابطه کمال‌گرایی و مشکلات بین شخصی، *دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد*، سال یازدهم- دوره جدید، شماره ۷.
- جوکار، بهرام، (۱۳۸۱). بررسی ساختار ارتباطی باورهای فرد پیرامون توانایی، ساختار کلاس، هدف‌گرایی و پیامدهای تحصیلی آن، رساله دکتری، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- خرمایی، فرهاد، (۱۳۸۵). بررسی مدل علی ویژگی‌های شخصیتی، جهت‌گیری‌های انگیزشی و سبک‌های شناختی یادگیری، رساله دکتری، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- نجاریان، بهمن، یوسف علی عطاری و یدالله زرگر، (۱۳۷۸). ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش کمال‌گرایی، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، دوره سوم، سال پنجم، شماره‌های ۳ و ۴ ص ۴۳-۵۸.
- وردی، مینا، مهناز مهرابی زاده هنرمند و بهمن نجاریان، (۱۳۷۸). رابطه کمال‌گرایی و سرسختی روان شناختی با سلامت روانی و عملکرد تحصیلی، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، دوره سوم، سال ششم، شماره‌های ۱ و ۲ ص ۵۱-۷۰.
- هاشمی، لادن، (۱۳۸۳). بررسی تحولی ابعاد وضعیت هویت نوجوانان و جوانان ۱۲-۲۴ ایرانی از دیدگاه مارسیا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

- Ames, C, (1992). Classrooms: Goals, structure and students' motivation, *Journal of Educational Psychology*, 84, 3, 261-271.
- Archer, J, (1994). Achievement goals as a measure of motivation in university students, *Contemporary Educational Psychology*, 19, 430-446.
- Dunkel, C.S & Anthis, K, (2001). The role of possible selves in identity formation, *Journal of adolescence*, 24, 763-776.
- Deci, E.L & Ryan, R.M, (2000). Intrinsic and extrinsic motivation: classic definition and new direction, *Contemporary educational psychology*, 25, 54-67.
- Elliot, A.J, (1997). Integrating the "classic" and "contemporary" approach to achievement : a hierarchical model of approach and avoidance achievement

- motivation hn M.Maher& Pintrich(Eds), *Advances in motivation and achievement*, 10, 143-179.
- Elliot, A & Church, M, (1997). A hierarchical model of approach and avoidance achievement motivation, *Journal of personality and social psychology*, 72,218-232.
- Elliot, A.J, (1999). Approach and avoidance motivation and achievement goals. *Educational psychologist*, 34. 169-189.
- Elliot, A & McGregor, H, (2001). A 22 achievement goal framework, *Journal of personality and social psychology*, 80(3), 501-519.
- Hamachek, D. E, (1978). Psychodynamics of normal and neurotic perfectionism, *Psychology*, 15, 27±33.
- Hewitt, P.L & Flett, G.L, (1991).Perfectionism in the self and social context: Conceptualization, assessment, and association with psychology, *Journal of Personality and Social Psychology*,60,456-470.
- Hewitt, P.L, Flett, G.L, Turnbull-Donovan, W & Mikail S, E, (1991). The multidimensional perfectionism scale: reliability, validity and psychometric properties in psychiatric samples, *Psychological Assessment: A Journal of Consulting and Clinical Psychology*, Vol. 3, No. 3.464-468.
- Neumeister, K. L. S, (2004). Understanding the relationship between perfectionism and achievement motivation in gifted college students, *The Gifted Child Quarterly*, 48, 3,219-231.
- Neumeister, K. L.S & Finch, H, (2006). Perfectionism in high-ability students: relational precursors and influences on achievement motivation, *The Gifted child quarterl*, 50,3.238-252.
- Nicholls, J & Patashnick, M, (1989). Individual difference in academic motivation: perceived ability, goal, beliefs, and values, *Learning and individual differences*, 1, 63-84.
- Vandewalle, D.M, (1997). Development and validation of a work domain goal orientation instrument, *Educational and psychological measurement*, 57, 995-1015.